

نقد و بررسی قرارهای تأمین کیفری

محمود شیخ زاده^۱

مقدمه

در میان قرارهای اعدادی که در مرحله تحقیقات مقدماتی بوسیله مقامات صالحه قضائی صادر می‌شوند اخذ تأمین از متهم از اهمیت خاصی برخوردار است. از یک طرف اصل برائت اقتضاء می‌کند که تا تعیین تکلیف قطعی اتهام وارده بر شهروندان، هیچگونه محدودیت و ممنوعیتی نسبت به آزادی یا اموال آنان یا سایر افراد ایجاد نگردد و از سوی دیگر ضرورت تحقیق در پرونده‌های کیفری و نیز برای جلوگیری از فرار و تبانی متهم و خصوصاً جهت جلوگیری از تضییع حقوق بزهدیدگان و قربانیان جرم ایجاب می‌نماید که در پاره‌ای از موارد، قبل از اتخاذ تصمیم قطعی قضائی، آزادی متهم سلب یا محدودیتها و تعهداتی برای وی یا سایر افراد ایجاد گردد. از این رو ماده ۱۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب قضائی را مکلف نموده است پس از تفهیم اتهام به متهم یکی از قرارهای پنجگانه^۲ را بر علیه وی صادر

۱ - عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه تبریز

۲ - قرارهای مذکور عبارتند: از التزام به حضور با قول شرف، التزام بحضور با تعیین وجه التزام، کفالت، وثیقه،

نماید. همچنین در ماده ۱۳۳ قانون مذکور قرار عدم خروج متهم از کشور و در قانون صدور چک و برخی قوانین دیگر منجمله قانون اقدامات تأمینی قرار وجه الضمان نقدی مقرر گردیده است. بدین ترتیب در نظام دادرسی کیفری ایران شش نوع قرار تأمین اصلی و مستقل و یک نوع قرار تکمیلی پیش‌بینی شده که با توجه به ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آئین دادرسی کیفری علیه متهم یا متهمین پرونده صادر می‌گردد. منظور از قرار تکمیلی قرار عدم خروج متهم از کشور می‌باشد که در ماده ۱۳۳ قانون یاد شده پیش‌بینی گردیده و عنداللزوم می‌بایست به همراه یکی از قرارهای تأمین اصلی صادر گردد.

قانونگذار کشور ما در صدر ماده ۱۳۲ فلسفه صدور قرارهای تأمینی را امکان دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او یا تبانی با دیگری اعلام نموده است.

اثر مترتب بر قرارهای تأمین گاهی متوجه اموال و دارائی و گاهی متوجه شرف و حیثیت و زمانی هم ممکنست متوجه آزادی متهم شود.

برای آشنایی با اشکالات نظری و عملی قرارهای تأمینی ابتدا هر یک از انواع قرارهای مذکور را اجمالاً بررسی نموده و سپس در خصوص ضوابط و چگونگی انتخاب نوع و میزان تأمین بحث نموده و بالاخره با مشخص نمودن معایب و اشکالات نظری و عملی موجود در قانون آئین دادرسی کیفری ۷۸ با استفاده از تجارب چندین ساله تدریس دروس آئین دادرسی کیفری و دادرسیهای اختصاصی کیفری، و نیز وکالت دعاوی کیفری در مراجع قضائی مختلف به ارائه پیشنهادات اصلاحی لازم خواهیم پرداخت.

گفتار اول - انواع تأمین کیفری

ماده ۱۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری ۷۸ قاضی را مکلف نموده است که درباره متهم یکی از قرارهای پنجگانه مذکور در آن ماده را صادر نماید. موارد احصاء شده در ماده یاد شده حصری بوده و به استثنای اتهام صدور چک بلامحل و چند مورد خاص دیگر^۱ به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن یا تبانی با دیگری،

قاضی می‌تواند فقط یکی از قراردادهای تأمینی مصرح در ماده ۱۳۲ را صادر نماید و اخذ تأمین دیگر به غیر از موارد مذکور وجاهت قانونی ندارد. فلذا با تذکر به حصری بودن قراردادهای تأمین کیفری هر یک از آنها را اجمالاً مورد بررسی قرار می‌دهیم.^۲

الف - قرار التزام به حضور با قول شرف

این قرار که خفیف‌ترین و ساده‌ترین قرار تأمینی است به موجب اصلاحات سال ۱۳۳۵ وارد قانون اصول محاکمات جزائی گردیده است و علیرغم اینکه در برخی اتهامات افراد با شخصیت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد لکن به جهت فقدان ضمانت اجرا در عمل بندرت مورد استفاده قضات محترم قرار می‌گیرد. در این نوع تأمین متهم با دادن قول شرف ملتزم می‌شود در مواقع احضار نزد مقام قضائی حاضر شود و چنانچه به قول شرف و تعهد اخلاقی خود وفا نکند تنها دلیل بر بدقولی او خواهد بود و به سبب این تخلف با صدور دستور جلب می‌توان با او برخورد نمود. و ضمانت اجرائی دیگری در قانون پیش‌بینی نشده است.

ب - قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام

در این نوع تأمین، قاضی آزادی متهم را مقید و منوط به التزام به حضور با تعیین مبلغ مشخص وجه التزام می‌نماید و به موجب این تعهد متهم ملتزم می‌شود از تاریخ صدور قرار تا خاتمه دادرسی و اجرای حکم در مواقع احضار، نزد مراجع قضائی حاضر شود و در صورت تخلف از مفاد تعهد وجه التزام مقرر را بپردازد. به نظر برخی از حقوقدانان وجه التزام در حقیقت قراردادی است که بین بازپرس و متهم تنظیم و به موجب آن متهم کتباً متعهد می‌گردد که در تمام ادوار بازپرسی و دادرسی و اجرای حکم به اخطارات و احضارات مقامات قضائی تمکین و در صورت تخلف و سرپیچی بدون عذر موجه، مبلغی که در قرار تعهد نموده است پرداخت نماید و لذا این قرار داد از هر جهت مانند یک تعهد معمولی بوده که متعهد له آن خزانه دولت قرار گرفته است با

۱ - به ماده ۱۸ قانون صدور چک اصلاحی ۷۲ و ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی مراجعه شود.

۲ - با عنایت به قانون اصلاح قانون صدور چک مصوب ۸۲/۶/۲ التزام بصدور قرار وجه الضمان نقدی در اتهام صدور چک بلامحل منقذ گردیده و فقط مورد باقیمانده ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ می‌باشد.

عنايت به بند ۲ ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک ۷۸ چنانچه متهم از دادن التزام مذکور خودداری نموده و بگويد ملتزم نمی‌شوم قاضی باید قرار مذکور را به قرار كفالت تبدیل کند و در صورت عجز از معرفی كفیل به زندان معرفی نماید.

ج - قرار كفالت:

در این نوع قرار قاضی آزادی متهم را مقید می‌کند به اینکه شخص ثالثی حضور متهم در مواقع احضار را در برابر مبلغی که وجه الكفاله نامیده می‌شود تعهد و كفالت نماید.^۱ كفیل که در اصطلاح عامیانه ضامن نامیده می‌شود در واقع تضمین می‌نماید در صورتی که دادگاه متهم را احضار کند وی را حاضر نماید و در صورت تخلف مبلغ وجه الكفاله مقرر را بپردازد.

برحسب اقتضای تأمین مذکور آزادی متهم منوط می‌شود به معرفی كفیل و صدور قرار قبولی كفالت و تا معرفی كفیل و صدور قرار قبلی كفالت متهم در بازداشت می‌ماند. در این خصوص ماده ۱۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری ۷۸ مقرر می‌دارد؛ متهمی که در مورد او قرار كفالت یا وثیقه صادر شده، در صورت عجز از معرفی كفیل یا تودیع وثیقه بازداشت خواهد شد.

تعیین میزان وجه الكفاله بر عهده مقام قضایی صالح است که باید تناسب آن با اهمیت جرم، سوابق متهم، سن و غیره به شرح مندرج در ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک جدید مد نظر قرار گیرد. با این همه ماده ۱۳۶ این قانون تکلیف خاصی را برای مقام قضائی صادر کننده قرار كفالت یا وثیقه یا وجه‌التزام تعیین کرده و مقرر می‌دارد؛ مبلغ وثیقه یا وجه‌الكفاله یا وجه‌التزام نباید در هر حال کمتر از خسارتهایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می‌کند با وجود ماده مذکور چنانکه خسارت مورد مطالبه مدعی خصوصی از حد متعارف و معقول با توجه به محتویات پرونده تجاوز کند در این صورت مقام قضائی ملزم به رعایت آن نخواهد بود.

۱ - مطابق ماده ۷۳۴ ق.م. كفالت عقدي است که به موجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند. متعهد را كفیل، شخص ثالث را مکفول و طرف دیگر را مکفول له می‌گویند.

مطابق ماده ۱۳۵ ق. آ. د. ک ۷۸ کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که اعتبار او برای پرداخت وجه الکفاله مورد تردید نباشد. اثبات ملائت و تمکن مالی کفیل ممکن است از طریق ارائه سند مالکیت، جواز کسب، کارت کارمندی و امثال آن صورت پذیرد.

همچنین به موجب ماده ۱۳۷ ق. آ. د. ک ۷۸ قاضی در خصوص قبول وثیقه یا کفیل قرار صادر نموده و پس از امضای کفیل یا وثیقه‌گذار خود نیز امضا می‌نماید و در صورت درخواست رونوشت، آن را به کفیل یا وثیقه‌گذار می‌دهد. در این مرحله متهم کفیلی را که اهلیت و اعتبار او مورد قبول واقع شود معرفی می‌کند و کفیل تعهد به حاضر نمودن متهم و در صورت امتناع، پرداخت وجه الکفاله می‌کند.

پس از صدور قرار قبولی کفالت هرگاه متهم بازداشت شده باشد با ارسال نامه‌ای به زندان مقرر می‌گردد چنانچه به اتهام دیگری بازداشت نباشد فوراً آزاد گردد. پس از این مرحله در مواردی که حضور متهم نزد مقامات قضائی لازم باشد نخست باید به خود وی اخطار شود که در موعد معین حاضر گردد. با توجه به فحواى مواد ۱۴۰ و ۱۴۲ ق. آ. د. ک ۷۸ بدون صدور این اخطار به متهم، احضار وی به وسیله کفیل فاقد و جاهت قانونی است. از طرف دیگر در خصوص شیوه ابلاغ به کفیل ماده ۱۴۰ قانون مذکور ابلاغ واقعی اخطاریه را ضروری دانسته و می‌گوید در صورت عدم تسلیم و ابلاغ واقعی اخطاریه به دستور رئیس حوزه قضائی وجه الکفاله اخذ و وثیقه ضبط می‌شود.

البته چنانچه ثابت شود کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اخطاریه، نشانی حقیقی خود را به مرجع قبول کننده کفالت اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده، ابلاغ قانونی اخطاریه برای وصول وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه کافی است.^۱

د - قرار وثیقه

قرار وثیقه نسبت به سه قرار دیگر که تاکنون گفته شد شدیدتر است چرا که در قرار کفالت و یا التزام به حضور با تعیین وجه التزام مالی در اختیار دادگاه قرار نمی‌گیرد اما در وثیقه در زمان صدور قرار قبولی وثیقه، مال در تصرف دادگاه قرار می‌گیرد فلذا یکی از آثار مهم آن این است که

اگر بعد از قبولی کفالت، کفیل معسر یا ور شکسته شود مسئولیتی نخواهد داشت اما در قرار وثیقه چون مال در اختیار دادگاه قرار گرفته است حالات مذکور اثری ندارد با توجه به این جهات قرار وثیقه نسبت به سه قرار قبلی مطمئن تر بوده و بعلاوه ضبط آن نیز به سادگی امکان پذیر است.

به موجب این قرار قاضی مقرر می‌دارد که متهم در قبال آزادی خود به میزان معینی وجه نقد یا مال منقول یا غیر منقول معرفی نماید و تا معرفی و بازداشت مال مورد وثیقه در توقیف بماند. وثیقه اعم است از وجه نقد، مال منقول یا غیر منقول و ضمانت نامه بانکی^۱ و وثیقه نقدی به صندوق دادگستری تودیع و قبض سپرده به قاضی صادر کننده قرار به منظور اتخاذ تصمیم مبنی بر صدور قرار قبولی وثیقه ارائه می‌شود و مستلزم تشریفات دیگری نمی‌باشد. در مواردی که متهم یا شخص ثالث مال غیر منقول را به عنوان وثیقه ارائه دهند مرجع قضائی در صورت لزوم پس از استعمال نظر کارشناس برای تعیین ارزش آن، مراتب را به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک جهت ثبت در دفتر املاک و بازداشت ملک اعلام می‌نماید و پس از وصول نامه اداره مذکور مبنی بر بازداشت ملک، قرار قبولی وثیقه صادر می‌گردد.

متهم پس از صدور قرار قبولی وثیقه آزاد می‌شود و پس از آن هر موقع که حضور او برای تحقیقات، رسیدگی و یا اجرای حکم لازم باشد با ارسال احضاریه دعوت می‌شود و در صورت ابلاغ احضاریه و عدم حضور به موقع می‌بایست با ارسال احضاریه مجدد سه وثیقه‌گذار از وی خواسته شود که ظرف مدت ۲۰ روز متهم را حاضر نماید و در صورت عدم تسلیم و ابلاغ واقعی احضاریه به دستور رئیس حوزه قضایی وثیقه ضبط خواهد شد.^۲ لازم به یادآوری است در قانون آئین دادرسی کیفری سابق برای ضبط وثیقه نیازی به ارسال احضاریه به وثیقه‌گذار نبود و فقط پس از ضبط مورد وثیقه مراتب به ذی‌نفع ابلاغ می‌گردید تا چنانچه بخواهد از این تصمیم سه دادگاه مربوط شکایت نماید.^۳

۱ - بند ۴ ماده ۱۳۲ ق. آ.د.ک. ۷۸. لازم به ذکر است که مقنن در خصوص برخی جرائم منحصراً صدور قرار وثیقه را تجویز نموده و اخذ تأمین دیگر از متهم را جایز نمی‌داند. به عنوان مثال تبصره ۱ ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق الحاقی ۱۳۵۳ در صورت وجود دلائل و قراین موجود مبنی بر توجه اتهام به متهم اخذ تأمین وثیقه را الزامی دانسته است.

۲ - ماده ۱۴۰ ق. آ.د.ک. ۷۸

۳ - به ماده ۱۳۶ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری سابق مراجعه شود.

از نظر تحلیل حقوقی می‌توان گفت در قرار وثیقه نیز مانند کفالت، دو عمل متفاوت حقوقی وجود دارد:

۱- صدور قرار اخذ وثیقه که جنبه قضائی داشته و قاضی بطور یکجانبه آن را صادر می‌کند و اراده متهم در تحقق آن بلااثر است.

۲- صدور قرار قبولی وثیقه که در واقع قراردادی است بین قاضی و وثیقه‌گذار که به موجب آن وثیقه‌گذار متعهد می‌شود که از تاریخ صدور قرار قبولی وثیقه تا خاتمه دادرسی و اجرای دادنامه هرگاه متهم در مواقع احضار از طرف مراجع قضائی بدون عذر موجه حاضر نشود مال مورد وثیقه به نفع دولت ضبط گردد.

پس از ابلاغ قرار، هرگاه متهم وثیقه معرفی کرد و اقدامات متناسب با مورد وثیقه به عمل آورد و مدارک مثبت به مرجع قضائی ارائه گردید، قاضی قرار قبولی وثیقه صادر می‌نماید. بعنوان مثال چنانچه متهم در شهرستان دیگری وثیقه ملکی معرفی نماید. با صدور قرار نیابت قضائی از مقامات قضائی حوزه محل وقوع ملک خواسته می‌شود با استعلام از کارشناس رسمی دادگستری ارزش ملک مورد وثیقه را برآورد نموده و در صورت متناسب بودن ارزش ملک با مبلغ وثیقه، مکاتبه لازم با اداره ثبت اسناد و املاک محل در خصوص بازداشت ملک یاد شده انجام گیرد و پس از اعلام نتیجه و وصول پاسخ مثبت قرار قبولی وثیقه صادر می‌شود. پس از صدور قرار قبولی وثیقه چنانچه متهم بازداشت باشد دستور آزادی وی صادر می‌گردد.

در صورتی که متهم بر کلیه احضاریه‌های مقامات قضائی پاسخ مثبت داده و برای تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم نزد مقامات قضائی حاضر شود و یا چنانکه پرونده منتهی به صدور قرار منع پیگرد یا برائت متهم شود یا به هر کیفیتی پرونده مختومه گردد قرار تأمین ملغی‌الانتر خواهد شد و قاضی مکلف است از قرار تأمین وثیقه رفع اثر کند.^۱

هـ. قرار بازداشت موقت

قرار بازداشت موقت متهم که از آن در حقوق کیفری ایران به توقیف احتیاطی نیز تعبیر شده است. شدیدترین و مطمئن‌ترین نوع تأمین از جهت دسترس به متهم و سهولت احضار وی به دادگاه می‌باشد.

منظور از بازداشت موقت در توقیف نگاهداشتن متهم در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی است که امکان دارد تا خاتمه دادرسی و صدور حکم نهائی و شروع به اجرای آن نیز ادامه یابد.

هرچند در قرارهای دیگر نیز مانند کفالت و یا وثیقه اگر متهم قادر به معرفی کفیل یا تودیع وثیقه نباشد به بازداشت وی منتهی می‌گردد و در این صورت نتیجه آنها با بازداشت یکی خواهد بود لکن باید توجه داشت که در بازداشت موقت با وجود امکان معرفی کفیل و سپردن وثیقه باز هم متهم باید در بازداشت بسر برند.

قرار بازداشت موقت با اصل برائت مغایر بوده و یک اقدام شدید و خشن علیه آزادی افراد به شمار می‌رود و بعلاوه تا حدود زیادی موجب محدود شدن دفاع از حقوق و بیگناهی متهم می‌گردد.

فذاً ضرورت دارد در صدور این قرار نهایت دقت و توجه لازم مبذول گردد تا موجبات خسارت مادی و معنوی متهم و خصوصاً افراد بیگناه را فراهم نسازد علی‌الخصوص که در نظام قضائی کشور ما عملاً امکان جبران خسارت زندانیان بیگناه وجود ندارد.

اهداف بازداشت موقت

اگرچه مقام قضائی باید در صدور قرار بازداشت نهایت احتیاط را نموده و حتی‌الامکان از محبوس کردن متهم امتناع ورزد با این همه در پاره‌ای موارد تأمین عدالت و تضمین حقوق و آزادیهای سایر شهروندان ایجاب می‌کند که قاضی از این داروی «تلخ» ولی مؤثر، استفاده کند. مهمترین عواملی که در صدور این قرار باید مدنظر قاضی قرار گیرد عبارتست از:

۱- شدت مجازات قانونی - در ق.آ.د.ک سابق شدت مجازات به تنهایی برای صدور قرار بازداشت کافی بود. بطوریکه ماده ۱۳۰ در مطلق جنایات صدور قرار بازداشت را جایز دانسته بود.

به عبارت دیگر چنانچه جرمی از درجه جنایت بود هر چند بیم فرار یا تبانی و یا امحای آثار جرم وجود نداشت بازپرس مجاز به اصدار قرار بازداشت بود.

ق.آ.د.ک جدید نیز شدت مجازات را در جرائم مهم برای بازداشت متهم کافی دانسته است. ماده ۳۲ مقرر می‌دارد در موارد زیر هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت جایز است.

الف) جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام، رجم، صلب و قطع عضو باشد.

ب) جرائم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد.

ج) جرائم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲).

۲- جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم - علاوه بر شدت مجازات عوامل و جهات دیگری نیز می‌تواند در صدور قرار بازداشت متهم مؤثر باشد که یکی از عوامل مذکور به موجب بند دال ماده ۳۲ ق.آ.د.ک جدید «بیم فرار یا مخفی شدن متهم می‌باشد»^۱

۳- امحای آثار و دلایل جرم یا تبانی با متهمان دیگر و شهود - مطابق بند دال ماده ۳۲ ق.آ.د.ک. و به تبعیت از بند ۳ ماده ۱۳۰ مکرر ق.آ.د.ک سابق یکی از موارد بازداشت متهم را این دانسته که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند.

۴- بازداشت متهم به عنوان اقدام تأمینی - در برخی از نظامهای دادرسی برای محافظت از جان متهم در قبال تهدیدات یا تعرضات اولیای دم یا اقوام و خویشان مجنی علیه و همچنین برای جلوگیری از خودکشی احتمالی متهم صدور قرار بازداشت را مجاز شمرده شده است. بعنوان مثال در ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک فرانسه بازداشت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی علاوه بر ضرورت تحقیق به عنوان تدبیر تأمینی نیز پذیرفته شده است^۲

۱ - در ق.آ.د.ک سابق این موضوع در ماده ۱۳۰ مکرر پیش‌بینی گردیده بود.

۲ - آقای دکتر آشوری آئین دادرسی کیفری ج ۲ ص ۱۴۹

انواع بازداشت موقت

در ق.آ.د.ک سابق و جدید کشور ما قانونگذار ۲ نوع قرار بازداشت اختیاری و اجباری پیش‌بینی نموده است که در حال حاضر موارد صدور قرار بازداشت موقت اختیاری در ماده ۲۲ ق. آ.د.ک ۷۸ و جهات و موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری در ماده ۳۵ قانون مذکور و بعضاً در برخی قوانین خاص پیش‌بینی گردیده است.^۱

منظور از قرار بازداشت موقت اختیاری این است که مقام قضائی در صورت لزوم می‌تواند بر علیه متهم قرار بازداشت صادر نموده و وی را روانه زندان کند و یا اینکه با صدور قرارهای جانشین بازداشت موقت از زندانی نمودن وی جلوگیری می‌کند. قرار بازداشت موقت زمانی اجباری تلقی می‌شود که مطابق قانون مقام قضائی مکلف به صدور قرار بازداشت موقت بوده و مجاز به صدور قرار دیگری نباشد.

در نظام دادرسی کیفری ایران در ابتدا اصل بر مخیر بودن بازپرس در صدور قرار بازداشت موقت بود و در قانون اصول محاکمات جزائی مصوب ۱۲۹۰ شمسی قرار بازداشت موقت اجباری پیش‌بینی نشده بود. مع الوصف بنا به مصالح و مقتضیات خاص مقنن بتدریج مواردی از بازداشت اجباری را وارد نظام کیفری کرده که در سالهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی علی‌الخصوص در ق.آ.د.ک ۷۸ به نحو مشهودی بر موارد آن افزوده شده است. این موارد را می‌توان به شرح زیر بررسی نمود:

۱- مواردی که بازداشت متهم اجباری است و تا صدور حکم از دادگاه باید

ادامه یابد:

۱-۱- تبصره ۳ ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی مصوب خرداد ماه ۱۳۳۴. به موجب این تبصره در صورت کشف داروی تقلبی، بازپرس مکلف به صدور قرار بازداشت متهم است. اما در مواردی که استفاده از مواد داروئی مذکور منحصرأ یا یکی از دلایل

۱ - در ق.آ.د.ک سابق قرار بازداشت موقت اختیاری در ماده ۱۳۰ مکرر و نوع اجباری آن در تبصره الحاقی بماده ۱۳۰ مکرر مصوب ۱۳۵۲ پیش‌بینی گردیده بود.

فوت مجنی علیه باشد و یا استعمال دارو منجر به مرض دائم یا فقدان یا نقص یکی از اعضاء یا حواس مصرف کننده به شرح مندرج در بند الف و ب ماده ۱۸ مذکور شود متهم تا خاتمه دادرسی باید در توقیف نگه داشته شود.

۱-۲- بند ج ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب تیرماه ۱۳۴۴، به موجب این بند درباره کسانی که به اتهام ارتکاب جرح یا قتل بوسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر مورد تعقیب قرار گیرند چنانچه دلائل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهد شد و تا صدور حکم ادامه خواهد یافت.^۱

۱-۳- ماده ۳۵ ق.آ.د.ک ۷۸ با توسعه موارد بازداشت اجباری متهمان مقرر داشته است در موارد زیر در صورت وجود قرائن و امارات کافی که دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت الزامی است و تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت.

الف - قتل عمد، آدم‌ربایی، اسیدپاشی و محاربه و افساد فی الارض.

ب - در جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس دائم باشد.

ج - جرائم سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور را داشته باشد.

د - در مواردی که آزاد بودن متهم موجب فساد باشد.

ه - در کلیه جرائمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده باشد.

افزایش موارد بازداشت موقت اجباری متهمان در شرایطی صورت گرفته است که بند ج ماده ۱۸۹ لایحه برنامه سوم توسعه... با هدف جلوگیری از تراکم زندانها و آثار سوء ناشی از بازداشت متهم، قضات محاکم را به لغو قرار بازداشت هدایت نموده بود. با این همه با توجه به اینکه مقنن در صدر ماده ۳۵ ق.آ.د.ک ۷۸ صدور قرار بازداشت موقت اجباری را مقید به رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون منجمله بند دال آن کرده است که در صورت رعایت آنها از طرف قضات محترم

۱ - علاوه بر بند ج قانون لغو مجازات شلاق مذکور، قانونگذار در بند ج تبصره اصلاحی ۱۳۴۴/۱/۲۰ ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی سابق صدور قرار بازداشت موقت اجباری را در اتهام جرح یا قتل بوسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر تا خاتمه رسیدگی بوضوح اعلام نموده بود.

می‌توان انتظار داشت که تا حدود زیادی موارد قرار بازداشت موقت اجباری کاهش یابد.^۱ همچنین شرط مفیدی که ماده ۳۵ قانون مذکور به نفع متهم پیش‌بینی نموده ضرورت عدم تجاوز بازداشت موقت از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی است.

۲- مواردی که بازداشت موقت متهم فقط برای مدتی الزامی است:

۲-۱- قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ - به موجب تبصره ۴ ماده ۳ این قانون چنانچه میزان رشوه از دویست هزار ریال بیشتر باشد و نیز مطابق تبصره ۵ ماده ۴ قانون مذکور در صورتی که میزان اختلاس زاید بر صد هزار ریال باشد در صورت وجود دلایل کافی صدور قرار بازداشت موقت متهم به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود.

۲-۲- قانون راجع به تشدید مجازات عبور دهندگان اشخاص غیرمجاز از مرز مصوب خرداد ماه ۱۳۴۴؛ به موجب بند الف ماده واحده قانون مذکور: هر کس دیگری را به طور غیر مجاز از مرز خارج و یا وارد کند یا به نحوی از انحاء موجبات خروج و ورود غیرمجاز دیگری را فراهم نماید به دستور هیأت امنیت اجتماعی مذکور در ماده یک قانون حفظ امنیت اجتماعی از ششماه تا سه سال بازداشت می‌شود. لازم به ذکر است قانون مذکور به موجب قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور و... مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ نسخ گردیده است.

سایر موارد: ماده ۱۷ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم مواد مخدر مصوب خرداد ماه ۱۳۵۹ برای کلیه کسانی که به اتهام ارتكاب جرائم مذکور در مواد، شش، هفت، هشت، نه، یازده، سیزده، پانزده و شانزده این قانون تحت تعقیب قرار می‌گیرند چنانچه دلایل و قرائن موجود دلالت کافی به توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت پیش‌بینی کرده است. همچنین در تبصره ۲ ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت یا ممانعت از

۱ - در این خصوص اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۴۲۳۱ - ۱۳۸۰/۵/۱۱ اعلام نموده است در ماده ۳۲ ق.آ.د.ک موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت احصاء شده است لیکن در ماده ۳۵ همان قانون موارد الزامی بودن صدور قرار بازداشت موقت تعیین شده است بنابراین در جایی که بند (د) ماده ۳۲ قابل تحقق بوده و

حق مقرر گردیده است در صورتی که تعداد متهمان ۳ نفر یا بیشتر باشد و قرائن قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر خواهد شد.

در پایان این مبحث یادآوری می‌نماید به موجب ماده ۳۳ ق.آ.د.ک ۷۸ قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رئیس حوزه قضائی محل یا معاون وی می‌رسد و قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدید نظر استان ظرف مدت ده روز می‌باشد. در قانون مذکور در خصوص اختلاف بین رئیس دادگاه و رئیس حوزه قضائی مطلبی بیان نشده است اگر پس از صدور قرار بازداشت توسط دادگاه رئیس حوزه قضائی موافقت نمود چه باید کرد؟

یک دیدگاه آن است که چون پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی است و رئیس حوزه قضائی نقش دادستان را ایفا می‌کند لذا با توجه به روال ق.آ.د.ک سابق به جهت حدوث اختلاف، موضوع باید در دادگاه تجدید نظر استان مورد بررسی قرار گیرد.

دیدگاه دوم این است که موافقت رئیس حوزه قضائی شرط اعتبار قرار بازداشت موقت است. قرار بازداشتی که به تأیید رئیس حوزه قضائی نرسد فاقد اعتبار بوده و در این صورت قاضی دادگاه باید قرار تأمین دیگری صادر نماید.^۱

و - قرار وجه الضمان نقدی

ششمین قرار در قراردادهای تأمین کیفری وجه‌الضمان نقدی است. این قرار از قراردادهای اجباری است که در ق.آ.د.ک سابق و جدید از آن نام برده نشده است ولی در ماده ۱۸ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۷۲ و همچنین در ماده ۱۴ قانون اقدامات مصوب ۱۳۳۹ مقنن اخذ این نوع تأمین کیفری را از متهمین مربوط الزامی دانسته است.

به موجب ماده ۱۸ اصلاحی قانون صدور چک در صورتیکه وجه چک بطریق قانونی تأمین نشده باشد مرجع رسیدگی مکلف است وجه‌الضمان نقدی یا ضمانتنامه بانکی (که تا تعیین تکلیف

جرایم نیز از جرمهای مذکور در ماده ۳۵ باشد، توقیف الزامی است لیکن اگر بند (د) محقق نباشد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی و در غیر این صورت جایز خواهد بود.

۱ - در بند ح ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب مهرماه ۱۳۸۱ مقرر شده است هرگاه دادستان با قرار بازداشت به عمل آمده (توسط بازپرس) موافق نباشد نظر دادستان متع است.

نهایی معتبر باشد) معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده از متهم اخذ نماید.^۱

مورد دیگر وجه‌الضمان در ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی در خصوص تهدید دیگری به ارتکاب جرم پیش‌بینی گردیده است بموجب ماده مذکور «... دادگاه بنا بر تقاضای شخص تهدید شده یا متضرر از جرم می‌تواند از او (تهدید کننده) بخواهد تعهد کند مرتکب جرم نگردیده و وجه‌الضمان متناسب برای این امر بدهد. هرگاه مشارالیه از این تعهد خودداری کرد و وجه‌الضمانه مقرر را نسیار دادگاه می‌تواند دستور توقیف موقت او را صادر نماید.

ز - قرار عدم خروج از کشور

این قرار از جمله قرارهای تکمیلی است که به دلالت ماده ۱۳۳ ق.آ.د.ک با یکی از قرارهای تأمین کیفری اصلی قابل جمع است و دادگاه اختیار دارد علاوه بر صدور یکی از قرارهای اصلی این قرار را نیز صادر کند.

اهم ویژگیهای قرار عدم خروج از کشور عبارتند از:

- ۱- چنانچه به اعتبار وقوع جرم صادر شود الزاماً باید مسبوق به صدور یکی از قرارهای اصلی باشد، بعبارت دیگر بدون صدور یکی از قرارهای تأمین اصلی صدور قرار عدم خروج از کشور جایز نیست.^۲ مگر اینکه به متهم دسترسی نباشد و به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از فرار متهم به خارج از کشور استفاده شود.
- ۲- مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه مدت بیشتری قید کند زاید بر ۶ ماه اعتباری نخواهد داشت.

۱ - لازم به ذکر است ماده ۱۸ اصلاحی قانون صدور چک ۱۳۷۲ به موجب قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک بلامحل مصوب ۱۳۸۲/۷/۲ نسخ گردیده است ماده اصلاحی اخیرالتصویب مقرر داشته است «مرجع رسیدگی کننده جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک ۷۸ حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال مقبول و غیرمقبول) اخذ می‌نماید.

۲ - اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۴۱۳۹ - ۱۳۷۹/۹/۲۲ صدور قرار عدم خروج از کشور در مرحله تحقیقات مقدماتی را مستلزم اخذ تأمین قبلی از متهم ندانسته است.

۳- قرار عدم خروج از کشور بعد از مدت شش ماه قابل تمدید است تمدید آن نیز از تاریخ تمدید شش ماه اعتبار دارد.

۴- قرار عدم خروج از کشور باید به متهم ابلاغ گردد.

۵- متهم ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ حق اعتراض دارد و مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه تجدید نظر استان است.

۶- در صورت فسخ قرار توسط مرجع صادر کننده یا نقض آن توسط مرجع تجدید نظر و یا صدور قرار منع پیگرد و یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم، دادگاه بدوی مکلف است موضوع را بلافاصله به مراجع ذی ربط اطلاع دهد^۱

گفتار دوم: ضوابط انتخاب تأمین

برای جلوگیری از اعمال نظرات و سلیقه‌های شخصی مقامات قضایی، مقنن رعایت جهات و ضوابطی را در صدور قرار تأمین لازم دانسته است که مهمترین آنها عبارتند از:

الف - متناسب بودن تأمین - مقام قضایی در صورتی مبادرت به صدور قرار تأمین می‌کند که به نظر وی عمل ارتكابی جرم بوده و قرائن و شواهدی ولو خفیف مبنی بر توجه اتهام به متهم وجود داشته و مسئولیت کیفری وی را احراز نماید. هرگاه مقام قضایی پس از تفهیم اتهام یا اتهامات مطروحه تصمیم به اخذ تأمین گرفت در این صورت انتخاب نوع و میزان تأمین بسته به نظر او خواهد بود ولی نباید تصور شود که قاضی در این رهگذر آزادی مطلق دارد و پای بند هیچ ضابطه و مقرراتی نیست بلکه برعکس وی ناچار است بعضی ضوابط و مقررات قانونی را مورد توجه قرار دهد والا در معرض تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت.^۲ بطور کلی مساده ۱۳۴ ق.ا.د.ک جدید تأمین باید با اهمیت جرم، شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد و تنها تشخیص این تناسب است که به عهده مقام قضائی محول گردیده است.

۱ - تبصره ماده ۱۳۳ ق.ا.د.ک ۷۸

۲ - در تبصره ماده ۱۳۰ ق.ا.د.ک سابق اخذ تأمین نامتناسب موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا اعلام گردیده بود.

ب- ضوابط خاص - علاوه بر جهات مذکور در برخی موارد مقنن ضوابط خاصی نیز برای اخذ تأمین در نظر گرفته است در این صورت باید آن ضوابط نیز مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال مبلغ وجه‌الضمان یا وثیقه و یا وجه التزام نباید در هر حال کمتر از خسارتهایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می‌کند.^۱ بنابراین وقتی مدعی خصوصی میزان مشخصی ضرر و زیان مطالبه می‌نماید مقام قضایی نمی‌تواند مبلغ وثیقه و یا وجه‌الضمان را کمتر از آن تعیین کند. بعنوان مثال وقتی مبلغ ریالی دیه کامل مرد مسلمان در سال ۱۳۸۲ یکصد و هشتاد میلیون ریال می‌باشد صدور قرار وثیقه به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال در خصوص متهم مذکور نامتناسب محسوب می‌شود. علاوه بر این گاهی مقنن نوع تأمین را بطور دقیق مشخص می‌نماید در این صورت مقام قضائی مکلف است همان تأمین را درباره متهم صادر کند بعنوان مثال ماده ۱۸ اصلاحی قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲ صدور قرار وجه‌الضمان نقدی یا ضمانتنامه بانکی را در جرائم مربوط به چک الزامی دانسته بود. همچنین در تبصره ۱ ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق الحاقی ۱۳۵۳ در صورت وجود دلائل و قرائن موجود بر توجه اتهام به متهم، اخذ تأمین وثیقه را الزامی دانسته است و مقام قضائی مجاز به صدور قرار تأمین دیگری نمی‌باشد.

گفتار سوم: بررسی معایب و ایرادات مقررات مربوط به قرارهای تأمین

با مطالعه و بررسی قوانین مربوط به قرارهای تأمین کیفری منجمه مواد ۳۲ تا ۳۷ و مواد ۱۳۲ لایحه ۱۴۷ ق.آ.د.ک ۷۸ و با ملاحظه رویه عملی محاکم عمومی و انقلاب، مهمترین معایب و ایرادات موجود در مواد قانونی مربوطه و رویه قضائی را می‌توان بشرح زیر بیان نمود.

الف - پراکندگی مقررات: قرار بازداشت موقت یکی از قرارهای تأمینی است و با این که قانونگذار مبحث دوم از فصل چهارم ق.آ.د.ک ۷۸ را به ذکر انواع قرارهای تأمینی اختصاص داده است اما با عجله و شتابزدگی در مبحث اول از فصل دوم یکباره به بیان قرار بازداشت موقت و موارد آن پرداخته است که ممکن است این امر حمل بر تمایل مقنن به سلب آزادی شهروندان آن هم در مرحله تحقیقات مقدماتی شود. فلذا مناسب بود قانونگذار مقررات مربوط به بازداشت موقت را نیز در مبحث قرارهای تأمین مطرح می‌کرد.

ب - وجود تعارض در برخی مواد قانونی: به موجب بند الف ماده ۳۲ ق.آ.د.ک چنانچه مجازات جرمی اعدام باشد بازداشت موقت متهم جایز یعنی در اختیار قاضی است که قرار بازداشت بدهد یا قرار دیگری مثل وثیقه یا کفالت صادر کند. در حالیکه در بند الف ماده ۳۵ قانون مذکور به جرائمی اشاره نموده که مجازات آنها اعدام می‌باشد و یا در بند ب ماده ۳۵ در جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس دائم باشد صدور قرار بازداشت موقت را الزامی دانسته است که بوضوح با بند الف ماده ۳۲ در تعارض می‌باشد و توجیه مناسبی هم برای این تعارض آشکار به نظر نمی‌رسد و از نظر اجرائی مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌نماید.

ج - سکوت قانون و یا وجود ابهام در برخی مواد قانونی: به موجب ماده ۳۳ قانون یاد شده، قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رئیس حوزه قضائی محل یامعاون وی می‌رسد و قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان ظرف ده روز می‌باشد. نکته‌ای که در مورد آن خلاء قانونی مشاهده می‌شود حالت اختلاف نظر میان رئیس دادگاه و رئیس حوزه قضائی است. اگر پس از صدور قرار بازداشت موقت توسط دادگاه، رئیس حوزه قضائی موافقت نکرد چه باید کرد؟ اداره حقوقی در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۱۳-۲/۲۷-۱۳۷۹ اعلام نموده است «... چنانچه رئیس حوزه قضائی محل یا معاون وی قرار بازداشت موقت را تأیید ننمایند دادرس صادر کننده قرار مکلف است که قرار تأمین دیگری صادر نماید و در صورت عدم تأیید قرار از سوی مقامات مذکور، در حقیقت قرار بازداشت موقت تحقق نمی‌یابد و دادرس صادر کننده قرار نمی‌تواند برقرار بازداشت صادره اصرار نماید. منظور قانونگذار از کلمه تأیید آن است که قرار صادره به نظر مقامات مذکور برسد تا در باب آن اظهار نظر نماید و مکلف به تأیید قرار صادره نیستند. با عنایت به اینکه مقامات قضائی تکلیفی به تبعیت از نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی ندارند فلذا ضرورت دارد که خود مقنن در این قبیل موارد حکم مساله را بیان می‌نمود تا از اعمال نظرات و سلیقه‌های شخصی پیشگیری شود.

علاوه بر این یکی از مهمترین ایرادات وارده برق آ.د.ک جدید این است که قرارهای وثیقه و کفالت غیرقابل اعتراض دانسته شده و چنانچه مقام قضائی به هر دلیل وثیقه و یا کفیل متهم را

نپذیرد و به ظاهر متهم به علت عجز از تودیع وثیقه و یا معرفی کفیل و فی الواقع به علت عدم پذیرش قاضی، بازداشت شود مرجعی جهت اعتراض و یا تجدید نظرخواهی پیش‌بینی نشده است و این امر عملاً موجبات تضییع حقوق تعداد زیادی از متهمین را فراهم می‌سازد.

از طرف دیگر ماده ۳۳ قانون یاد شده از جهت مدت قرار بازداشت موقت نیز ابهام دارد به طوریکه اگر پس از یک ماه قرار بازداشت تمدید شد، این تمدید تا چه زمان است و آیا متهم در زمانهای بعدی حق اعتراض دارد یاخیر؟ و بر فرض اینکه پس از هربار تمدید نسبت به قرار بازداشت یک ماهه اعتراض نماید، لازم است پرونده به دادگاه تجدید نظر استان ارسال گردد یا نه؟

علاوه بر موارد مذکور مقرر کردن مدت بازداشت موقت به اندازه‌ای که از حداقل مدت مجازات قانونی تجاوز نکند اقدام بدیعی است که در ماده ۳۵ قانون یاد شده پیش‌بینی شده است اما از آنجا که مجازات همه جرائم حبس نمی‌باشد تا بتوان بازداشت موقت را با آن سنجید فلذا در جرائمی که مجازات آن قصاص یا شلاق یا جزای نقدی است، ضابطه مذکور قابل اعمال و اجرا نخواهد بود.

همچنین ظاهر ماده ۱۴۰ ق. آ.د.ک با ماده ۱۳۵ از حیث اخذ وجه الكفاله از کفیل تعارض دارد و بعلاوه در خصوص امکان بازداشت کفیل در صورت عدم پرداخت وجه الكفاله قانون مذکور ساکت است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

با توجه به اهمیت و حساسیتی که قرارهای تأمین در جریان پرونده‌های کیفری علی‌الخصوص از جهت حقوق و آزادیهای شهروندان دارد فلذا ضرورت دارد؛ اولاً - قانونگذار با ملاحظه ایرادات، موارد سکوت، ابهام، تعارض و نقص قانون که توسط قضات، وکلاء، نویسندگان و صاحب‌نظران حقوقی مطرح می‌گردد، راه‌حلهای مناسب تعیین نموده و در قانون مذکور یا در قانون آتی آیین دادرسی کیفری لحاظ نماید.

ثانیاً - با توجه به ایرادهای مختلفی که قرار بازداشت موقت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دارد بهتر است صدور قرار بازداشت موقت اختیاری را حذف نموده و فقط قرار بازداشت موقت، محدود به موارد الزامی گردد. بعلاوه لازم است برخی از عناوین مبهم و کش‌دار نیز از ضوابط موجود در قرار بازداشت موقت الزامی حذف گردد و یا اینکه با معیارهای روشن و شفاف جایگزین شود.

ثالثاً - قانونگذار جهت حفظ حقوق و آزادیهای مشروع شهروندان و جلوگیری از اعمال نظرات و سلیق شخصی برخی از مقامات قضایی، که اغلب با روح قانون آئین دادرسی کیفری و خصوصاً با موازین شرعی و اخلاقی نیز در تعارض می‌باشند، لازم است قرار وثیقه یا کفالتی که منجر به بازداشت متهم گردیده است قابل شکایت و تجدید نظر خواهی اعلام گردد تا اگر چنانچه حقی از متهم تضییع شده باشد با ارائه مدارک و اسناد لازم به مرجع تجدیدنظر بتواند احقاق حق نموده و از استمرار بازداشت غیرموجه متهم جلوگیری به عمل آید.

رابعاً - راهکارهای اجرایی لازم جهت تحقق اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص جبران خسارت از زندانیان بی‌گناه و بازداشت‌های غیرموجه فراهم آمده و قوانین مورد نیاز تصویب شود تا با رسیدگی عادلانه به تقاضای این قبیل افراد خسارات مادی و معنوی وارده به آنها بصورت منصفانه جبران گردد.

خامساً - با توجه به محدود بودن قراردادهای تأمینی جایگزین بازداشت موقت در ماده ۱۳۲ ق. آ.د.ک به چهارمورد که یکی از آنها نیز عملاً متروک است، پیشنهاد می‌شود تعداد قراردادهای مذکور افزایش یافته و مواردی از قبیل عدم خروج از منزل یا اقامتگاه تعیین شده، امتناع از تردد به برخی از مکانها، الزام متهم به معرفی خود نزد مقاماتی که از سوی قاضی تحقیق معین می‌شود مانند ضابطین دادگستری، خودداری از رانندگی با هر وسیله نقلیه یا برخی وسایط نقلیه و در صورت لزوم تحویل گواهینامه رانندگی به دفتر قاضی تحقیق در مقابل اخذ رسید، امتناع از پرداختن به برخی از فعالیتهای شغلی یا اجتماعی، امتناع از نگهداری و حمل سلاح و در صورت لزوم تحویل سلاحهایی که در اختیار دارد به دفتر قاضی تحقیق و نیز امتناع از صدور چک و یا

در صورت لزوم تحویل دسته چک به قاضی تحقیق و امثال اینها که از جهت جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی با شهود و مطلعین و نیز جهت جلوگیری از تکرار جرائم متهم و به طور کلی الزام وی به حضور در مواقع لزوم می‌تواند مؤثر باشند، به قرارهای مذکور اضافه گردد.^۱



۱- برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به دکتر آشوری محمد، آیین دادرسی کیفری ج. ۲ انتشارات سمت، چاپ اول ص ۱۷۲ تا ۱۷۶ بعنوان مثال در قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۹۹۳ فرانسه ۱۶ نوع قرار تأمین جایگزین بازداشت موقت پیش‌بینی گردیده و متهم را موظف به رعایت یک یا چند مورد تعهد برحسب تصمیم قاضی تحقیق کرده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آخوندی، دکتر محمود، آیین دادرسی کیفری ج ۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ اول، ۱۳۶۸
- ۲- آخوندی، دکتر محمود، بازداشت موقت در سیستم قضایی جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی وزارت دادگستری، ش ۲۱
- ۳- آشوری، دکتر محمد، آیین دادرسی کیفری ج ۲، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۶۹
- ۴- آشوری، دکتر محمد، عدالت کیفری، ج ۱ کتابخانه گنج دانش ۱۳۷۶
- ۵- زراعت، دکتر عباس و علی مهاجری، شرح قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب ج ۱ انتشارات فیض، چاپ اول، ۱۳۷۸
- ۶- ضرابی، غلامرضا، آئین دادرسی کیفری، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲
- ۷- مدنی، دکتر سید جلال‌الدین، آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲، چاپ اول انتشارات پایدار، ۱۳۷۸
- ۸- مهاجری، علی جزوه آیین دادرسی کیفری کاربردی، انتشارات اداره کل آموزش دادگستری، ۱۳۷۸
- ۹- واحدی، قدرت الله، بایسته‌های آئین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۶۹
- ۱۰- یعقوبی، عبداله‌اشم، نحوه رسیدگی به جرائم در دادگستری، انتشارات فردوسی، چاپ چهارم، ۱۳۷۷
- ۱۱- مجموعه آیین دادرسی کیفری ج اول چاپ سوم، انتشارات نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۱
- ۱۲- استفانی، گاستون، ژرژلوا سور و برناریولوک، آیین دادرسی کیفری، ترجمه دکتر حسن دادبان، جلد ۲ دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷
- ۱۳- قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸
- ۱۴- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، ۱۳۸۱
- ۱۵- قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، مصوب ۱۳۸۲/۶/۲
- ۱۶- نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در خصوص قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مندرج در روزنامه رسمی دادگستری.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی